

احکام و تعالیم فردی - نهی از انتقام

حضرت بهاء الله



نهی از انتقام

حضرت بهاء الله:

1 - " ومن اعتاظ علیکم قابلوه بالرّفق والّذی زجرکم لا تزجروه دعوه بنفسه وتوکلوا علی الله المنتقم العادل القدیر "

(کتاب اقدس - بند 153)

2 - " لا تعتدوا علی من اعتدی علیکم لیظهر فضلکم و عنایتکم بین العباد کذلک نزل من قبل من سماء مشیة ربنا المنزل القدیم " (امر و خلق، جلد 3، ص 227)

3 - " وإن یظلمک أحد لا تتعرض به دع حکمه إلى الله وإنه يأخذ حقّ المظلوم عن الذینهم یظلمون . "

(سورة الحجّ - آثار قلم اعلی، جلد 4، ص 81)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " زنهار زنهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد ولو دشمن خونخوار باشد. "

(منتخباتی از مکاتیب، جلد 1، طبع آمریکا، ص 71)

2 - " ای ثابت بر پیمان در خصوص انتقام مرقوم نموده بودید یاران باید مظلوم آفاق باشند و از برای قاتلان شفاعت نمایند و از حقّ طلب غفران کنند زیرا نادانند و غافل و مدهوش و بیهوش . گمان کنند که خون احبّا سبیل است و باران سزاوار قتل شدید و اگر بدانند این ظلم نمایند و این دست تطاول نگشایند . " (نار و نور،

ص 10)



TABLET

و در مبحث "مجرم مستحق عقوبت است یا عفو" در مفاوضات مبارکه میفرمایند:

3 - "عقوبات جزائیّه بر دو قسم است یک قسم انتقام است یک قسم قصاص است . اما بشر حق انتقام ندارد ولی هیئت اجتماعیّه حق قصاص را از مجرم دارند و این قصاص بجهت ردع و منع است تا شخص دیگر متجاسر بر آن جرم نشود و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است نه انتقام زیرا انتقام تشفی صدر است که از مقابله بالمثل حاصل گردد و این جائز نه زیرا بشر حق انتقام ندارد. باوجود این اگر مجرمین بکلی معاف باشند نظم عالم بهم خورد لهذا قصاص از لوازم ضروریّه هیئت اجتماعیّه است ولی شخص مظلوم متعدی علیه حق انتقام ندارد بلکه عفو و سماح لازم و این سزاوار عالم انسان است ... مثلاً اگر نفسی بنفسی ظلمی کند ، ستمی کند ، تعدی کند و آن شخص مقابله بالمثل نماید ، این انتقام است و این مذموم است زیرا زید اگر پسر عمرو را بکشد عمرو حق ندارد که پسر زید را بکشد اگر بکند انتقام است این بسیار مذموم است بلکه باید بالعکس مقابله کند عفو کند بلکه اگر ممکن ششود اعانتی بمتعدی نماید این نوع سزاوار انسانست بجهت اینکه از برای او از انتقام چه ثمری حاصل ؟ هر دو عمل یکی است اگر مذموم است هر دو مذموم است . نهایت اینست که این مقدم بود و آن مؤخر".

بیت العدل:

1 - "... حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه که فرق بین مجازات و انتقام را بیان و می فرمایند : انّ البشر لیس له حق الانتقام لانّ الانتقام امر مبغوض مذموم عندالله ولی مقصد از مجازات انتقام نیست بلکه اجرای حکم در حق مجرم است چنانکه در کتاب مبارک مفاوضات تأیید می فرمایند : هیأت اجتماعیّه حق قصاص را از مجرم دارند و این قصاص به جهت ردع و منع است . حضرت ولیّ امرالله در این باره در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گشته چنین توضیح می فرمایند : در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاءالله مجازات قتل را اعدام مقرر فرموده اند . اما به جای آن حبس ابد را نیز اجازه داده اند و هر دو با احکام مبارک تطابق دارد . ممکن است بعضی از ما با بینش محدود خود حکمت بالغه این حکم را درک ننمائیم ، ولی باید آن را بپذیریم و بدانیم که مراتب حکمت و رحمت و عدالت منزل آن کامل و فی الحقیقه کافل نجات اهل عالم است . اگر نفسی سهواً محکوم به مرگ گردد ، آیا نباید معتقد بود که خداوند مقتدر و توانا چنین بی عدالتی در این جهان را هزاران برابر در جهان دیگر جبران فرماید . البته نمیتوان به خاطر این احتمال نادر الوقوع که ممکن است یک فرد بی گناه سهواً مجازات شود از این حکمی که نفعش به عموم راجع است صرف نظر کرد . (ترجمه) جمال اقدس ابهی جزئیات مجازات قتل و حرق را که به هیأت اجتماعیّه آینده تعلق دارد نازل نفرموده اند . فرعیات این احکام ، از قبیل اینکه درجات جرم تا چه حدّ است و آیا باید عوامل مؤثر در تخفیف جرم را منظور داشت ، و کدام یک از دو نوع مجازات باید مجری گردد کلاً به بیت العدل اعظم محول گشته که با ملاحظه شرایط زمان در وقت اجرای حکم تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند . نحوه اجرای حکم نیز به بیت العدل اعظم راجع

است . در مورد حرق ، حدّ مجازات وابسته به این است که چه مکانی مورد حرق قرار گرفته است . بدون شک مجرمی که انباری خالی را آتش زند و کسی که مدرسه‌ای پر از کودک را بسوزاند درجات جرمشان تفاوت بسیار دارد . " (کتاب اقدس - شرح 86)